

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ستارخان سردار ملی در آئینه زمان

به انضمام کلمات قصار، شجره نامه، دیدگاه های مشاییر و روایاتی از سرگذشت سردار


تألیف: دکتر محمد حسن پیرام

سرشناسه	پدرام، محمدحسن، ۱۳۳۸ -
عنوان و نام پدیدآور	ستارخان سردار ملی در آئینه زمان: به انضمام کلمات قصار، شجره‌نامه، دیدگاه‌های مشاهیر و روایاتی از سرگذشت سردار / تألیف محمدحسن پدرام.
مشخصات نشر	تبریز: اختر، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	۱۳۴ ص.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۵۱۷-۳۵۰-۸
موضوع	ستارخان، ۱۲۸۴ - ۱۳۳۲ ق.
موضوع	سیاستمداران -- ایران -- آذربایجان -- سرگذشتنامه
موضوع	ایران -- تاریخ -- انقلاب مشروطه، ۱۳۲۲ - ۱۳۲۷ ق.
رده‌بندی کنگره	DSR۱۴۵۳/س۲۴پ۲ ۱۳۹۰
رده‌بندی دیویی	۹۵۵/۰۷۵۰۹۲
شماره کتابشناسی ملی	۲۳۱۱۱۶۲



نشر اختر

ستارخان سردار ملی در آینه زمان

به انضمام کلمات قصار، شجره‌نامه، دیدگاه‌های مشاهیر و روایاتی از سرگذشت سردار

دکتر محمدحسن پدرام

چاپ اول ۱۳۹۰ / تیراژ: ۱۰۰۰ جلد / ۱۳۲ صفحه / قطع وزیری

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۷-۳۵۰-۸

مرکز فروش: تبریز - اول خیابان آیت‌الله طالقانی، نشر اختر

تلفن: ۰۹۱۴۱۱۶۶۸۹۷ و یا ۵۵۵۵۳۹۳ - ۰۲۱۱

قیمت: ۳۵۰۰ تومان

حاجه زینب
میری

فهرست

۹	مقدمه
۱۳	فصل اول: کلمات قضا و سخنان ستارخان
۲۷	فصل دوم: روایات و دیدگاه‌های مشاهیر و مورخان در مورد ستارخان
۲۸	- روایت فاش‌نشده‌ای از دیدار ستارخان و عین‌الدوله به روایت عزیزخان
۳۰	- این خود ستار است که تیراندازی می‌کند
۳۰	- عین‌السلطنه: مملکت ایران تا باقی است باید به وجود آن دو مباحثان کند
۳۱	- والموننت دبیر سوم سفارت فرانسه در ایران
۳۱	- جریان دیدار ستارخان و باخیتانوف بنا به روایت ثقل‌الاسلام شهید
۳۴	- تلاش عوامل امپریالیست‌ها جهت بدنام کردن ستارخان
۳۵	- روایت یک ایرانی مقیم پاریس
۳۵	- شجاعت افسانه‌ای ستارخان
۳۶	- اگر امیرخیزی به تهران نرود من هم نخواهم رفت
۳۶	- کشاکش اعتدال و دمکرات در آستانه ورود ستارخان و باقرخان به تهران
۳۷	- شگفت آیدم از خطه‌ی آذربایجان که هر زمان پهلوانی در کمون دارد
۳۸	- تنها تبریز بود که به عجله قوانی تجهیز کرده و به کمک تهران فرستاد
۳۸	- برگشت مشروطه نتیجه شجاعت‌های ستارخان بود
۳۹	- کچن گونه گون یشتمز، بویونی ده، بویونی
۴۰	- ستارخان خلاف لوطیگری می‌دانست در مقابل کسی اظهار ضعف نماید
۴۱	- پنج هزار کشته و شهید در مرحله دوم جنگ‌های تبریز
۴۲	- جشن زاد روز امپراطور روسیه
۴۳	- از یادداشت‌های سپهسالار تنکابنی راجع به فاجعه پارک اتابک
۴۴	- نامه زنان دوه‌چی به ستارخان
۴۴	- قیام ستارخان و جانبازی‌های او ایرانیان را سرافراز نمود
۴۶	- خوشه‌چیان انقلاب مشروطه
۴۷	- ستارخان در سامرا
۴۹	- مشاجره ستارخان با رحیم‌خان در زندان
۴۹	- خلاصه نامه دانشجویان دارالفنون مسکو به سردار ملی و انجمن ایالتی تبریز
۵۰	- تلگراف دردناک مردم تبریز و گریه محمدعلی‌شاه

- ۵۲ - فرمان حمله ستارخان علیه اکراد ماکو -----
- ۵۳ - سواران بی‌دین، الواط بی‌شرم -----
- ۵۴ - ستارخان تصمیم داشت دوباره به تبریز برگردد -----
- ۵۴ - قیام قهرمانانه ستارخان -----
- ۵۶ - بزرگواری و مردانگی ستارخان -----
- ۵۶ - سردار علاوه بر جنگاوری، فرمانروایی ورزیده بود -----
- ۵۷ - آخرین وداع ستارخان با تبریز و تبریزیان -----
- ۵۸ - در میان صدای هزار تفنگ، صدای تفنگ ستارخان معلوم می‌شد -----
- ۵۹ - واژگون کردن بیرق‌های سفید به روایت حاج محمدتقی جورابچی -----
- ۶۰ - جریان دیدار ستارخان با پاخیتانوف بنا به روایت حاج محمدتقی جورابچی -----
- ۶۰ - جریان دادن لقب سردار ملی به ستارخان و سالار ملی به باقرخان -----
- ۶۱ - حوادث اردبیل به روایت حاج محمدتقی جورابچی -----
- ۶۱ - خبر آمدن ستارخان و فرار صمدخان شجاع‌الدوله -----
- ۶۲ - خلع سلاح مجاهدین ستارخان و فاجعه شوم پارک اتابک به روایت زنده‌یاد دکتر صمد سرداری‌نیا -----
- ۶۳ - مشاجره ستارخان با والی خراسان -----
- ۶۳ - خاطرات میرزا ابراهیم خان کلانتری باغیشه ملقب به شرف‌الدوله -----
- ۶۴ - ابراهیم فخرانی، در جنگ پارک اتابک دولت و شهربانی شرایط ستارخان را رد کردند -----
- ۶۴ - خاطرات حاج سیاح -----
- ۶۴ - مرحوم محمدعلی تهران (کاتوزیان)، بعد از فوت ستارخان ملاحظه مقام او را به هیچ وجه ننمودند -----
- ۶۴ - جریان دیدار ستارخان با پاخیتانوف به روایت شرف‌الدوله -----
- ۶۶ - ستارخان آزادمرد دلیر و از جان گذشته -----
- ۶۶ - جنگ ستارخان با اردوی ماکو به روایت شرف‌الدوله -----
- ۶۷ - دلجویی انجمن ایالتی گیلان از ستارخان -----
- ۶۷ - مجاهدان قفقازی زیر پرچم ستارخان -----
- ۶۷ - شاه در باب قتل ستارخان از جادوگران یاری طلبید -----
- ۶۸ - شرم باد از این که بیایم زیر پرچم دیگران بیاسیم -----
- ۶۹ - تفاوت ره از کجا تا به کجاست؟ -----
- ۷۰ - قطعه شعری در نکوهش محمدعلی شاه و در مدح سردار و سالار -----
- ۷۰ - اول غیرتمند آذربایجان ستارخان سردار ملی و باقرخان سالار ملی -----
- ۷۱ - ستارخان مخالف فنودال‌هایی چون سردار اسعد و فرمانفرما بود -----
- ۷۱ - ستارخان بی‌اختیار و پابرنه به میدان جنگ می‌شتافت -----
- ۷۲ - علی‌اکبر دهخدا: ستارخان بارزترین نمونه مردی و مردانگی وطن‌پرستی -----
- ۷۲ - دیدار و گفتگوی یک سیاح فرانسوی با ستارخان -----

- ۷۳ - حاج سیاح: اهل تبریز از قدیم معروف به غیرت و شجاعت هستند
- ۷۴ - میزان علاقه‌مندی تجار تبریز به انقلاب مشروطه
- ۷۴ - جناب آقامیرزا حسین خان عدالت
- ۷۵ - قابل توجه سران سپاه استبداد
- ۷۵ - شخصیت ستارخان سردار ملی
- ۷۵ - اعلامیه سی و دو ماده‌ای ستارخان به شاه
- ۷۵ - شایعه مرگ ستارخان به نقل از کنسول فرانسه
- ۷۶ - درخواست کمک مالی سیدحسن تقی‌زاده از ایرانیان مقیم استانبول
- ۷۷ - خاطره میرزا عبدالامیر شیخ‌الاسلام طباطبایی از زندان سرداران دولتی
- ۷۸ - عکس نازنین ستارخان
- ۷۸ - نفوذ مطلق سردار ملی بر اهالی تبریز
- ۷۸ - حکم سردار ملی: نباید کسی به باسمنج برود
- ۷۹ - نامه تقی‌زاده به ستارخان
- ۸۱ - سردار ملی و راهنمایی‌های رمزآمیز ژنرال معمم
- ۸۱ - حقوق ماهیانه فراماسون و حقوق ماهیانه متجیان مشروطه
- ۸۲ - مرد از سخن خود بر نمی‌گردد
- فصل سوم
- ۹۰ - نامه ستارخان به مستشارالدوله
- ۹۱ - تلگراف پرحرارت ستارخان علیه «وام خارجی»
- ۹۱ - قسمتی از تلگراف پاختانوف در مورد ستارخان
- ۹۲ - تحلیل فاجعه پارک اتابک از دیدگاه میرزا ابوالقاسم خان کمال‌زاده
- ۹۲ - خلع سلاح مجاهدین و فاجعه شوم پارک اتابک به روایت حاج محمد تقی جورابچی
- ۹۳ - آشفتگی سیاسی و ترور پیش زمینه فاجعه شوم پارک اتابک
- ۹۶ - تحلیل گونل کهن از نقش رجال وابسته در فاجعه پارک اتابک
- ۹۷ - غلبه آزادی‌خواهان قلائی بر آزادی‌خواهان حقیقی
- ۱۰۰ - سفارشات محمد علی‌شاه به رحیم‌خان در مورد قتل و غارت مردم تبریز
- ۱۰۱ - از سواد یک شب‌نامه تحت عنوان ناله جانگداز وطن
- ۱۰۲ - قسمتی از سواد خطابه هیئت علمیه نجف اشرف به احرار آذربایجان
- ۱۰۳ - سزای خیانت در راهرو ارگ تبریز
- ۱۰۷ - ستارخان در اشعار سهراب طاهر
- ۱۰۷ - آغ بایراقدان کفن یاخشی
- ۱۰۸ - قیز مجاهد پالتاریندا
- ۱۱۰ - تحلیل جنگ شام‌غازان به روایت سهراب یزدانی

- تبریز مجاهدترین حمله‌سی زمانی حربی مارش کیمی اوخونان ستارخان شعری ————— ۱۱۱
- تظاهرات دانش‌آموزان مدارس تبریز در حمایت از مشروطیت و قانون اساسی ————— ۱۱۱
- نسب‌نامه (شجره‌نامه) خاندان ستارخان سردار ملی ————— ۱۱۳
- شرح زیرنویس‌های شجره‌نامه خاندان ستارخان سردار ملی ————— ۱۱۴
- نامه ستارخان و باقرخان به نایب‌السلطنه ————— ۱۲۱
- نامه حاج عظیم‌خان برادر ستارخان به رئیس مجلس شورای ملی ————— ۱۲۲
- رنج‌نامه‌ای از ستارخان به یک بازرگان تبریزی مقیم استانبول ————— ۱۲۳
- القاب و صفاتی که مردم و مورخین به ستارخان (ستاره قره‌داغی) داده‌اند (بخش دوم) ————— ۱۲۴
- فهرست منابع ————— ۱۳۹

آتلی‌لار آتا میندی آتلاندی آتا میندی
کاش اولا اؤن سیرادا ستارخان آتام ایندی^۱

اکثریت قریب به اتفاق مورخان و محققان داخلی و خارجی در این موضوع متفق‌القولند، که بزرگ‌ترین سردار و قهرمان انقلاب مشروطیت ایران ستارخان سردار ملی است. احمد کسروی ستارخان را «یگانه قهرمان آزادی ایران»^۲ می‌داند. نهضت مشروطیت و جنگ‌های یازده ماهه تبریز از برجسته‌ترین وقایع تاریخ معاصر ایران است. در انقلاب مشروطه نقش ممتاز و بی‌بدیل سردار ملی در شکست استبدادیان و پیروزی مشروطه‌خواهان اظهر من الشمس است: «تمام جنگ‌های یازده ماهه تبریز، اتفاقات برجسته آذربایجان در دوره انقلاب ایران همه به نام ستارخان بستگی داشته است و نوشتن شرح حال مفصل ستارخان در واقع نوشتن تاریخ انقلاب آذربایجان است».^۳ دکتر مهدی ملک‌زاده در مورد خدمات بی‌نظیر سردار ملی نسبت به ایران و ایرانی می‌نویسد: «در آن محیط ترس و وحشت، در آن سرزمین یأس و ناامیدی، در آن روزی که روزنه امیدی برای احرار و آزادمردان دیده نمی‌شد و تاریکی استبداد و نفوذ اجانب همه جا را فرا گرفته بود، در آن روزی که حتی مردانی که به شجاعت و تهور معروف بودند و دم از مشروطه‌خواهی می‌زدند از روی یأس و ناامیدی راه فرار پیش گرفته و یا در کنج خانه سر بر زانوی غم نهاده به حال زار مملکت و آزادی زاری می‌کردند، در آن روزی که دشمنان بدخواه آزادی کمترین تردیدی در موفقیت و کامیابی خود نداشتند و نقشه کشیدن انتقام از یک مشت مردم از جان گذشته و وطن دوست را می‌کشیدند، در آن روزی که نماینده امپراطوری روسیه خود را حاکم بر تقدیرات آذربایجان می‌دانست، یک مرد باریک اندام بلند قد سیاه چهره از طبقه سوم و یا به قول معروف اوسط‌الناس که کمترین معروفیتی نداشت، قد مردی و مردانگی علم کرد و بیرق مشروطیت و آزادی را بر دست گرفت و یکه‌سوار تاخت و تاز میدان مشروطیت گردید و در مقابل خصم پیدادگر که دارای همه وسایل بود و تمام مملکت را به جز

۱ - ش. مونجوغو آمان داغلار - کریم مشروطه‌چی (سؤنمز) - صفحه ۱۰

۲ - کسروی و تاریخ مشروطه ایران - دکتر سهراب یزدانی - صفحه ۹۰

۳ - دو قهرمان آزادی - دکتر سلام‌الله جابوید - صفحه ۵

یک محله از محلات شهر تبریز در دست داشت چنان پایداری و مجاهدت کرد و شجاعت از خود نشان داد و به فتوحاتی نایل گردید که دیری نگذشت شهرت جهانی پیدا کرد و نامش نقل مجالس و شرح حالش در سرلوحه جراید و عکسش بر صفحات روزنامه‌ها و مدالش زینت سینه جوانان آزادی‌خواه شد و نامش در تارنخ انقلاب ایران جاویدان گشت و در ردیف پهلوانان آزادی‌جای گرفت.^۱ اما جای تأسف است که ستارخان با آن همه خدمات و با آن کارنامه درخشان در اثر تبلیغات ناجوانمردانه ایادی استعمار و فراماسون‌ها، چه در دوره کوتاه حیات خود و چه پس از مرگش مظلوم واقع شده است و این موضوع بر آگاهان به مسائل تاریخی پوشیده نیست. دفاع از مظلوم و دفاع از آرمان‌های والای انسانیت از اصولی است که همه مفاخر بشریت، از جمله بزرگان دین ما نیز کراراً به آن سفارش کرده‌اند. بنابراین در مقابل زحمات و مجاهدات ستارخان سردار ملی هرچه بنویسیم کم نوشته‌ایم. احمد کسروی می‌نویسد: «جنبش مشروطه‌خواهی با باکی‌ها آغازید ولی با ناپاکی‌ها به پایان رسید و دست‌هایی از درون و بیرون، به میان آمده آن را برهم زد و ناکام گذاشت»^۲ تبعید سردار ملی از زادگاه خود و زخمی کردن پای او و زندگی در یک خانه اجاره‌ای در تهران پاداش زحمات ضداستعماری و ضداستثماری وی بود که دولت‌های استعمارگر و ایادی داخلی آنها برای زهرچشم گرفتن از امثال ستارخان‌ها و تکرار نشدن دوباره این گونه حوادث بر سر او آوردند. وجود سردار آزادی و مجاهدین جان برکف او خار چشم میوه‌چنان انقلاب یعنی دولت فراماسونری آن زمان و پشتیبانان خارجی آنها بود و به خاطر آن بود که اتحاد مثلث شوم روس و انگلیس و فاتحان تهران در مقابل وی و آزادی‌خواهان تبریز تشکیل شد که در نهایت منجر به فاجعه شوم پارک اتابک گردید. مرحوم زاوش می‌نویسد: «مسئدشنیان تهران که نیک می‌دانستند به ناحق بر مسند قدرت دست یافته‌اند به ظاهر شاد و خندان و در باطن نگران و پریشان بودند. آنها از وارث حقیقی قدرت، از قلب انقلاب مشروطیت ایران که در سینه ستارخان می‌تپید در هول و هراس بودند.»^۳ خوشه‌چینان انقلاب و عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی

۱ - تاریخ انقلاب مشروطیت ایران - صفحه ۹۳۹

۲ - تاریخ مشروطه ایران - صفحه ۳

۳ - دولت‌های ایران در عصر مشروطیت - صفحه ۴۲.

استعمار به جای آن که قدردان زحمات سردار و سایر پاسداران راستین انقلاب باشند، برعکس اعتبار و حیثیت آزادی‌خواهان حقیقی را زیر سؤال برده و بدین ترتیب خادمین اصلی انقلاب مشروطه را خوار و حقیر می‌شمردند. آنها کارهای بزرگ و بی‌نظیر سردار ملی و مجاهدین تحت امر او را بی‌ارج و بی‌ارزش جلوه می‌دادند و برای آن که نقشه‌های شوم خود را عملی سازند خود را انقلابی‌تر از انقلابیون واقعی جا می‌زدند. نتیجه تبلیغات وسیع و زهرآگین آنها منجر به از میدان بدر کردن ستارخان و یاران او شد.

دست‌پروردگان مکتب بیگانه و مدعیان دروغین انقلاب بعد از فاجعه شوم پارک اتابک و خانه‌نشین کردن سردار آزادی که نخستین قدم عملی جهت انحراف و ناکام گذاشتن انقلاب مشروطه از مسیر اصلی آن بود، جهت تکمیل سناریوی از پیش تعیین شده و به وسیله مزدوران قلم به دست و کاسه‌لیس خود تبلیغات گسترده‌ای را جهت بدنام کردن و بی‌اعتبار کردن رهبران مردمی انقلاب که در صدر آنها ستارخان قرار داشت، به راه انداختند و در راه رسیدن به هدف پلید خود هر چه صفت زشت و ناپسند و تهمت و افترا بود نثار سردار کردند و حتی بعد از وفات وی نیز این روش غیرانسانی خود را ادامه دادند. بنده حسب وظیفه در حد توان خود کوشیده‌ام که تبلیغات سوء و اتهامات ناروا و ناجوانمردانه خادمان دیرپای بیگانگان و بدخواهان ستارخان را افشاء و چهره مردمی و راستین سردار مظلوم را با استناد به کارنامه درخشان و سخنان خود سردار و بر اساس روایات مورخان حقیقت‌گو و غیر وابسته آشکار نمایم. در این راستا در کتاب‌های «تراژدی ستارخان» و «مجموعه کلمات قصار و سخنان ستارخان» و در «آثر موجود» اخلاص و پاکدلی، سادگی و صداقت، تواضع و فروتنی، یکرنگی و آزادگی، نزاکت و انسانیت، غیرت و غرور ملی، دریادلی و بی‌باکی، مساوات‌خواهی و عدالت‌خواهی، عاطفه و مهربانی، ایثار و از جان گذشتگی، نمک‌شناسی و حق‌شناسی، بیگانه‌ستیزی و استقلال فکری، دوراندیشی و مظلومیت، مردانگی و وطن‌پرستی و حق‌طلبی و ظلم و ستیزی ستارخان سردار ملی را که به حق پرچمدار بزرگ انقلاب مشروطه و نمونه بارز مردانگی و وطن‌دوستی بود، در یک کفه ترازو قرار داده و در کفه دیگر آن هفت خطی و تزویر، ناجوانمردی و ریاکاری، غارت‌گری و چپاول‌گری، حق‌کشی و عدالت‌کشی، بی‌غیرتی و تکبر، فرصت‌طلبی و ریاست‌طلبی،

ددمنشی و حیوان صفتی، خیانت و وابستگی و روبه صفتی و حيله گری که نامه اعمال و کارنامه ننگین امثال: مخبر السلطنه ها، وثوق الدوله ها، قوام السلطنه ها، فروغی ها، مستوفی الممالک ها، عین الدوله ها، ناصر الملک ها، فرمانفرماها، سپهدار اعظم ها، سردار اسعد ها، پیرم خان ها، رضا خان ها، رحیم خان ها و شجاع الدوله ها می باشد قرار داده ام تا خوانندگان بنا سنجش اعمال و افکار دو گروه و مقایسه عملکرد دو کارنامه متضاد، سنگینی کفه ترازو را به چشم خود مشاهده نموده و با اطمینان خاطر داوری نمایند. بنابراین باید همگان درس عبرت تاریخ را آویزه گوش قرار دهیم که خادمان و خائنان ملت در پیشگاه تاریخ یکسان نیستند زیرا بدان به بدی و نیکان به نیکی شناخته می شوند.

لازم به ذکر است که این اثر در حقیقت مکمل و یا به عبارت بهتر جلد دوم کتاب «مجموعه کلمات قصار و سخنان ستارخان» محسوب می شود. این کتاب در سه فصل تنظیم شده است. فصل اول به سخنان ستارخان اختصاص یافته است. فصل دوم این کتاب نیز به دیدگاه های مشاهیر و مورخان اختصاص یافته که حاوی داستان های آموزنده و عبرت انگیز از سرگذشت ستارخان می باشد. در فصل سوم روایت هایی از فاجعه شوم پارک اتابک و موضوعات متنوع و تازه ای از زندگی سردار ملی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است در خاتمه بر خود وظیفه می دانم از سرور گرامی جناب آقای مامی سردار ملی که تعدادی از تصاویر خاندان محترم ستارخان سردار ملی را جهت چاپ در اختیار اینجانب قرار دادند صمیمانه سپاسگزاری نمایم همچنین به لطف و یاری ایشان، در این کتاب برای اولین بار شجره نامه کامل خاندان ستارخان سردار ملی تقدیم به محققین و علاقه مندان به تاریخ و فرهنگ آذربایجان می گردد.

با احترام

محمد حسن پندرام

فروردین ماه ۱۳۹۰